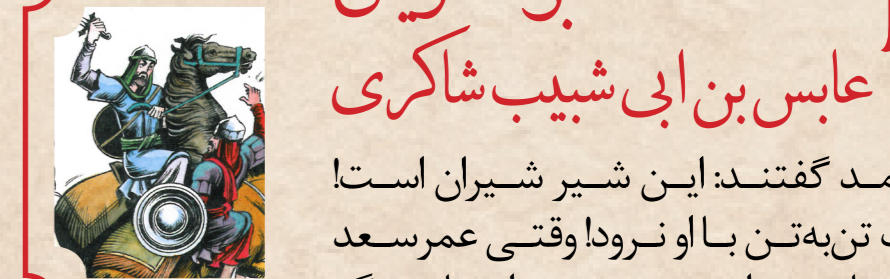


عاشورا، یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند. تا عبرت بگیرد. یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعیتی است: چه چیزی او را تهدید می کند: چه چیزی برای او لازم است. انسان می تواند خودش را در مقام قهرمانان یا شکست خوردگان این ماجرا تصور نموده و خویش را از یابی کند. این را می گویند «عبرت» در این اینفوگرافیک به هفت مورد از زمینه های صعود یا سقوط و عوامل پیوستن یا جاماندن از کاروان سیدالشهدا علیه السلام با مراجعه به منابع اصلی تاریخ، حدیث و رجال اشاره شده است.

### نبرد عریان



به میدان که آمد گفتند: این شیر شیران است! کسی به جنگ تن به تن با او نرود! وقتی عمرسعد عقبنشینی نیروهایش را دید، دستور داد تا سنگ بارانش کنند. عابس زره از تن بیرون کرد و به سپاه کوفه حمله ور شد. راوی دشمن می گوید: به خدا با بیش از دویست نفر درگیر شده بود. پس از شهادتش، لشکریان بر سر حمل سر بریداش دعوا داشتند. عمرسعد فریاد زد: کنار بروید! او را یک نفر نکشته است. تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۰

### مواجهه با مرگ

یکی از نشانه های مرادان راه خدا اینست که هر لحظه برای مواجهه با مرگ آماده اند



### خواص لثیم اشرف کوفه

سعد بن عبیده که در کربلا حضور داشته، می گویند: بزرگان ما از اهل کوفه در روز عاشورا روی تپه ای دور از کربلا ایستاده بودند و با گریه می گفتند: خداوند! نصرتت را بر حسین بفرم! نازل فرما! به آن ها گفتم: ای دشمنان خدا، چرا به جای دعا، یاریش نمی کنید؟! انسب الاشراف ج ۲ ص ۲۷۰

### گلبرگی در طوفان

قاسم بن الحسن

شب عاشورا که سیدالشهدا علیه السلام پرده از اخبار فردا برداشت، عرض کرد آیا من هم در رکاب شما به شهادت می رسم؟ امام از او پرسید: مرگ در نظرت چگونه است؟ قاسم بن الحسن علیه السلام پاسخ داد: غسل شیرین تر است. موسوعه تاریخ امام حسین ج ۱۲ ص ۲۱۸

### شاعر گریزان

عبدالله بن عمرو عاص در مکه به او گفت: چرا به حسین رسیدی نمی پیوندی؟ به خدا قسم به حکومت خواهد رسید! تصمیم گرفت به سپاه سیدالشهدا علیه السلام بپیوندد اما خودش نقل می کند که چون به عاقبت انبیا فکر کردم پشیمان شدم! وقتی در کوفه خبر شهادت سیدالشهدا علیه السلام را شنید، عبدالله بن عمرو عاص را لعن می کرد و می گفت نزدیک بود مرا به کشتن بدهد. تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۹۰

### جامانان

طرماح بن عدی

در منزلگاه غزیه هجانات با سیدالشهدا علیه السلام ملاقات کرد و هنگام وداع به امام گفت: خداوند شر جن وانس را از تو دور گرداند. من آذوغه و نققای را برای خانواده ام از کوفه تهیه کرده ام که به محض اینکه به آن ها برسیم برخواهم گشت و به خدا تو را یاری خواهم کرد! رفت؛ ولی وقتی برگشت با سرهای به نیزه شهادی کربلا مواجه شد. تاریخ طبری ج ۲ ص ۶۰۷

### تعلق به خانواده

تعارض بین حق مداری و تعلق به خانواده یکی از سخت ترین چالش هاست



### از صفین تا کربلا

پس از بازگشت از صفین، همراه امیرالمؤمنین علیه السلام به کربلا رسید؛ حضرت خاک را بوید و فرمود اینجا محل شهادت کسانی است که بی حساب وارد بهشت خواهند شد. او که در روز عاشورا با سپاه عمر سعد به کربلا آمده بود، به محضر امام رسید. سیدالشهدا علیه السلام از او دعوت به یاری کردند اما در پاسخ گفت: من دخترانی دارم که از عقیقتشان نزد عیبدالله می ترسم و رفت. امامی شیخ صدوق مجلس ۲۸ ص ۷۶

### لذت شکمیایی

محمد بن بشر حضری

شب عاشورا خیر رسید که فرزندت در ری اسیر شده! امام علیه السلام هزار سکه و سه پیراهن قیمتی برای آزاد کردن فرزندش به او داد. اما در جواب گفت: درنده های بیابان مرا زنده زنده بخورند! اگر از تو جدا شوم! پسرم گرفتار است! باشد. مگر پسر من از شما عزیزتر است؟! در زیارت ناحیه، امام علیه السلام به او سلام کرده و از این پایمردی تجلیل فرموده است. الطولوف ص ۱۵۲

### جرثومه فساد

عبدالله بن زبیر که در اینجا زید را از یاری امام علیه السلام بازداشت به فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام: پیش از این نیز پدرش زبیر سیف الاسلام را نیز به فقرا برد و در طول دوران حکومتش در مکه چهل خطبه جمعه خواند، ولی بر اهل بیت پیامبر علیه السلام حتی یک بار هم درود نفرستاد. سنه الرسول المصطفی و اجدیات التحریف ص ۲۸

### وصله ناجور

زید بن حسن بن علی

زید فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام، بر خلاف برادران بزرگوارش حضرت عبدالله اکبر، حضرت قاسم و حضرت عبدالله اصغر علیه السلام، همراه سیدالشهدا علیه السلام در کربلا حاضر نشدند! حتی بعد از شهادت حضرت با عبدالله بن زبیر، شوهر خواهرش بیعت کرد! علامه تستری علت تخلف او را تحت تأثیر قرار گرفتن از خواهرش و عبدالله بن زبیر می داند. قاموس الرجال ج ۲ ص ۵۴

### همنشینی با بدان

یحیی بن هانی بن عروه یحیی پسر هانی مرد با وفای کوفه، تحت تأثیر دابی خود (عمرو بن حجاج زبیدی فرمانده سپاه منع آب) روز عاشورا در برابر امام علیه السلام قرار گرفت. او پس از واقعه عاشورا به همراه دابی خود با مختار جنگید و بعدها از محدثان مورد اعتنای اهل سنت به شمار رفت. تاریخ طبری و الجرح والتعديل الرازی ص ۲۲۷

### تأثیر خوشیاوندان

از دواج یکی از عوامل مؤثر بر سعادت یا شقاوت انسان است



### گندری

با ورود امام حسین علیه السلام به عراق، به کوفه بازگشت و پیشنهاد تازیانی پیش رویش قرار گرفت. عبدالله او را برای مقابله با سیدالشهدا علیه السلام طلبیده بود. گفت: اگر ممکن است معافم! دارا عیبدالله گفت: قبول، اما به شرط آنکه فرمان ولایتی را به ما بازگردانی. مهلت خواست و با نیک خواهان خویش مشورت کرد ولی همه او را از این عمل منع می نمودند. اما با اصرار عیبدالله و وعده ملک ری با لشکری چهار هزار نفری راهی کربلا شد. انسب الاشراف ج ۲ ص ۲۴۴

### لقمه و مال حرام

یکی از فراقیترین فتنه های زندگی بشر آلوده شدن به مال حرام است



### اثر روزی حلال

سید الشهداء علیه السلام در اولین پیامی که از خیمه فرماندهی در صبح روز عاشورا ابلاغ کرد، فرمود: «هرکس بدهی یا دینی بر عهده دارد برود نمی خواهیم! او در سپاه ما باشد و این بدین معناست که توبه کنندگانی که از سپاه دشمن به امام پیوستند و از فتنه دشمنی با امام و نشناختن مقام ایشان رستند، تا قبل از عاشورا گرفتار لقمه حرام نشده بودند. موسوعه کلمات امام حسین صفحه ۵۰

### انتخاب سرنوشت

اهل سعادت و شقاوت، خود در یک لحظه سرنوشتشان را انتخاب کرده اند



### فرصت سوز

از اشراف و رزم آوران کوفه بود. سیدالشهدا علیه السلام پیکسی به خیماتش فرستاد. گفت از کوفه خارج نشدم مگر برای اینکه با حسین بن علی مواجه نشوم! امام شخصاً به خیماتش رفتند و او را دعوت به نصرت کرده و فرمودند: تو عرق گناهی! یا من که دل اولیایت را از اندام امام علیه السلام با آغوش باز او را پذیرفته و در رکاب حضرت به شهادت رسیدی! وقتی که خون سر و صورتش را فراگرفته بود، امام با وجود خطر بر بالینش آمد و فرمود: تو حر و آزامردی همانطور که مادرت چنین نامی بر تو نهاد. امامی صدوق مجلس ۲۰ ص ۲۰

### باردیرین

جناد بن حارث

در کوفه از مدافعان مسلم بن عقیل بود و پس از شهادت او به سیدالشهدا علیه السلام ملحق شد. روز عاشورا با بارانش به سپاه کوفه حمله کردند و دلیرانه جنگیدند تا محاصر شدند. عباس بن علی صفوف دشمن را درید و آن ها را که به شدت مجروح شده بودند خلاص نمود و ولایت را از آن سب خودداری سالم بر گردند خودداری نموده و جنگیدند تا شهید شدند. قاموس الرجال ج ۸ ص ۹۵

### عزم و اراده

یکی از لغز نگاه های حساس در سقوط انسان نداشتن عزم راستخ است



### خاک بن عبدالله مشرقی

تهنایی سیدالشهدا علیه السلام را که دید سست شد و تصمیم گرفت فرار کند. خدمت امام آمد و گفت: با هم فرار گذاشته بودیم تا وقتی مدافع داری من هم دفاع کنم، حال که همه کشته شده اند! به من اجازه بده بروم امام آزادش گذاشت، او که قبلاً اسب خود را در یکی از خیمه ها بسته بود و پیاده می جنگید، پس از آن امام سراج اسبش رفت و از معرکه گریخت. انسب الاشراف ج ۲ ص ۲۳۷

### خاک پس از عاشورا

او که دل در گرو اهل بیت داشت ولی عزم جانباری در راه آنان را نداشت پس از عاشورا به امام سجاده علیه السلام پیوست در کتف جالی، خاک را از شاکران امام چهارم شمرده اند. رجال شیخ طوسی ص ۲۲۷

### ساقی تشنه

نافع بن هلال مرادی

شب عاشورا وقتی تشنگی بر خیمام غلبه کرد، سیدالشهدا علیه السلام عباس بن علی علیه السلام را به همراه سنی سوار برای آوردن آب فرستادند. او در میان این افراد سپاه عمرو بن حجاج زبیدی، فرمانده سپاه منع آب که با او هم قبیله بود، گفت: بنوش، گوارایت باد! ولی نافع در پاسخ گفت: من آب بنوشم! در حالی که مولایم حسین علیه السلام و اصحابش تشنه هستند! باید برای آن ها هم آب ببرم! عمرو و مأمورانش مانع شدند. با کمک عباس بن علی با آن ها درگیر شد و سایرین مشکهایشان را پر از آب کرده و به خیمه ها رساندند. انسب الاشراف ج ۲ ص ۲۴۷

### قبیله گرایی

یکی از عوامل پایمال شدن حق ترجیح و ابستگی های حزبی بر آن است



### لغزش سردار

عدی بن حاتم طائی

وقتی مأموران مختار، حکیم بن طفیل طائی ملعون را دستگیر کردند، قبیله بنی طلیح به نرزد عدی رئیس این قبیله رفتند تا برایشان از مختار امان نامه بگیرند، او هم علی رغم کهولت سن و نابینایی و دوری راه، برای شفاعت این جانیکار خود را به مختار رساند! خوشبختانه مختار قبل از رسیدن عدی، از موضوع باخبر شده و حکیم ملعون را به جهنم فرستاده بود. قاموس الرجال ج ۷ ص ۱۵۵

### شخصیت عدی

حاضی و مرید امیرالمؤمنین علیه السلام پدر سه شهید در صفین سردار و جانیاز صفین و جمل رئیس قبیله بنی طلیح رئیس سفید و مورد احترام شیعه

### ماه در آب

عباس بن علی

گرچه فرزندان معصومین علیه السلام از نعمت وجود ایشان بهره مند بودند، با این حال همه یکسان نبوده، بلکه مادرانشان تأثیر ویژه ای در تربیت و شخصیت آن ها داشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام برای تربیت علمدار کربلا به برادر خود فرمودند از قبیله های شجاع و پارسا برای من همسری اختیار کن! او هم فاطمه ام المبنین علیها السلام را پیشنهاد کرد. پس از عاشورا وقتی خیر شهادت چهار پسر ام المبنین علیها السلام را آوردند، فرمود: فرزندانم و همه اهل زمین به فدای اباعبدالله الحسین. اگر ام المبنین علیها السلام نبود، عباس علیه السلام علمدار کربلا نمی شد.

### جنات حکم ملعون

تیراندازی به سیدالشهدا علیه السلام اسب ناخن بر پیکر حضرت قطع دست چپ عباس علیه السلام فرود آورد نمود این بر سر مبارک عباس بن علی علیه السلام غارت لباس عباس بن علی علیه السلام